



## هرچه از سعادت می‌خواهیم در گرو توجه به خدا و انس با قرآن است

آیت الله جوادی آملی با تاکید بر موضوع زیارت اهل بیت گفت: هر چه از سعادت دنیا و آخرت می‌خواهیم در گرو توجه به خدا، قرآن و دوستی آل محمد است.

آیت الله جوادی آملی با تاکید بر موضوع زیارت اهل بیت گفت: هر چه از سعادت دنیا و آخرت می‌خواهیم در گرو توجه به خدا، قرآن و دوستی آل محمد است.

به گزارش خبرگزاری مهر، نوشتن و گفتن از استادی که سال‌ها زندگی‌اش با قرآن، محبت اهل بیت (علیهم السلام) و تفسیر کلام خدا ممزوج شده آن قدرها هم ساده نیست، اما این استاد برجسته آن قدر مهربان، آرام و در نهایت ادب با دیگران برخورد می‌کند که باز هم دلت نمی‌آید لحظه‌ای هم‌کلام شدن با او را از دست بدهی بخصوص که حرف‌هایش آن قدر دلنشین است که تا عمق جانت نفوذ می‌کند و دلت می‌خواهد ساعت‌ها بنشینی و فقط گوش کنی...

این را همه شاگردان و دوستداران ایشان می‌گویند که کلام استاد شیوایی و جذابیت فراوان دارد. استاد درباره هر موضوعی صاحب نظر هستند و هر پرسشی را به شیوایی پاسخ می‌دهند. از هر دری پرسشی پاسخ متفن دارند از پیچیده ترین مباحث فلسفی گرفته تا جزئی‌ترین مسایل مرتبط با زندگی. شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید کتاب جامع «مفاتیح الحیات» ایشان در بحث سبک زندگی سعادتمندانه بیش از ۲۰۰ بار تجدید چاپ شده است.

متن زیر مشروح گفتگوی ماهنامه زائر با آیت الله جوادی آملی است.

\*یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نسل امروز داشتن الگوی صحیح برای زندگی است، توصیه‌های شما در این زمینه چیست؟

شاید این پرسش ذهن خیلی از ما را به خود مشغول کرده، اما سنجیده و بجاست، زیرا یکی از ضروریات زندگی نسل امروز الگوگیری از شخصیت‌هایی است که انسان را به مسیر کمال و سعادت سوق می‌دهند؛ درست مانند ائمه هدی (علیهم السلام) که سیره و منش آن‌ها الگوی زندگی سعادتمندانه آحاد بشریت است و همه جوانان امروز ما باید مبتنی با فرهنگ الهی معصومین (علیهم السلام) مسیر زندگی خود را طراحی کنند، زیرا سیره زندگی این بزرگواران حرکت در مسیر سعادت و رستگاری است.

تأسی جوانان به سیره اهل بیت (علیهم السلام) موجب عاقبت بخیری و تربیت نسلی دیگر از دامن جوانان مومن و ولایتمدار است.

بنده تأکید می‌کنم، اگر جوانان ما می‌خواهند به کمال و تعالی روحانی برسند، باید با معارف الهی، اهل بیت (علیهم السلام) و علمای اسلام و مرجعیت مأنوس شوند و در این شرایط ما دیگر شاهد گمراهی برخی از جوانان در مسیر آسیب‌های اجتماعی نخواهیم بود..

به فرزندانم که در سن جوانی به سر می‌برند توصیه می‌کنم به عمل به واجبات و ترک گناه، که خدای متعال این رویه زندگی جوان را بسیار دوست دارد و به طور قطع بدانید اگر قصد بر اجرای امر خدا داشته باشید، پروردگار متعال شما را بر اجرای فرامینش یاری می‌کند، چنانکه در اوج جوانی و در غربت، حضرت یوسف (علیه السلام) را از گناه محفوظ نگه داشت و به ایشان طهارت باطنی عنایت کرد. خودتان را به قرآن و کلام خدا متصل کنید، آن وقت همه تاریکی‌های زندگی پیش‌رو شما روشن می‌شود..

جوانان باید در دوران جوانی به دنبال کسب کمال معنوی باشند تا در دوران پیری از آن‌ها بهره برده و افرادی مؤمن و اثرگذار باشند.

\*یکی از توصیه‌های همیشگی شما به همه، حفظ حرمت والدین و خدمت به آن‌هاست، چرا در اسلام

این همه بر احترام به پدر و مادر تأکید شده است؟

والدین ما دو گوهر گرانبها و کمیاب در زندگی هستند که در طول سال<sup>۱</sup>؛های عمرمان مثل نسیم آرام<sup>۲</sup>؛بخش با ما هستند و یکباره مانند نسیم هم ما را ترک می<sup>۳</sup>؛کنند. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) بارها درباره احترام به والدین تأکید و توصیه فرمودند که ما این توصیه را در کلام نورانی ائمه هدی(علیهم<sup>۴</sup>؛السلام) هم می<sup>۵</sup>؛بینیم. در حفظ حرمت والدین به روایتی درباره اویس قرنی اشاره می<sup>۶</sup>؛کنم که بسیار روشن مسأله احترام به مادر را ارایه کرده است.

اویس قرنی که یکی از یاران و دوستان نزدیک رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به شمار می<sup>۷</sup>؛رفت، در یمن که از شهر رسول خدا (مدینه) بسیار دور بود زندگی می<sup>۸</sup>؛کرد و مخارج زندگی خود و مادرش را از راه شتربانی تأمین می<sup>۹</sup>؛کرد. روزی قصد دیدار آن حضرت کرد. برای این منظور از مادر اجازه خواست که برای دیدار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مدینه برود. مادرش گفت: برو به شرط آنکه پیش از نصف روز در مدینه توقف نکنی. اویس حرکت کرد. پس از پیمودن مسافتی طولانی و تحمل مشقت فراوان، به مدینه رسید. وارد شهر شد و سراغ پیامبر(صلی الله علیه و آله) را گرفت و متوجه شد، ایشان در شهر حضور ندارند. او پس از توقف و انتظار نصفه روزه معشوقش را ندیده، طبق قولی که به مادر داده بود، به یمن بازگشت.

وقتی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به خانه برگشتند پرسیدند : این نورکیست که در این خانه تابیده است؟ گفتند : شتربانی که <sup>۱۰</sup>؛اویس؛ نام داشت به اینجا آمد، سراغ شما را گرفت و نصف روز نیز به انتظار شما ماند و بازگشت. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمودند: آری ؛ اویس این نور را در خانه ما به هدیه گذاشت و رفت. این رفتار اویس نمونه عینی شرایط حفظ کرامت والدین و بخصوص مادر است.

اینجا یک نکته مهم وجود دارد؛ اینکه اسلام وقتی احترام به پدر و مادر را بازگو می<sup>۱۱</sup>؛کند، برای گرامیداشت مقام زن، نام مادر را جداگانه طرح می<sup>۱۲</sup>؛کند؛ قرآن کریم می<sup>۱۳</sup>؛فرماید: <sup>۱۴</sup>؛إِنَّمَا يَلْتَمِسُ عِنْدَكَ الْكَبِيرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آن<sup>۱۵</sup>؛ها حتی <sup>۱۶</sup>؛؛ و در بخشی دیگر می<sup>۱۷</sup>؛فرماید: <sup>۱۸</sup>؛وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ يَوْأَلِدِيهِ إِحْسَانًا؛ و انسان را نسبت به پدر و مادر فراموش نکند؛ <sup>۱۹</sup>؛؛ یا در جای دیگری از قرآن کریم اشاره شده: <sup>۲۰</sup>؛وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَيَالِ الْوَالِدِينَ إِحْسَانًا؛ پروردگار تو مقرر کرد جز او را پرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید<sup>۲۱</sup>؛؛ و اینجا کلام خدا احسان به پدر و مادر را در کنار عبادت حق یاد می<sup>۲۲</sup>؛کند.

قرآن اما با همه این تجلیل<sup>۲۳</sup>؛های مشترک، وقتی می<sup>۲۴</sup>؛خواهد از زحمات پدر و مادر یاد کند، از زحمت <sup>۲۵</sup>؛؛ سخن می<sup>۲۶</sup>؛گوید، نه از زحمت پدر، آنجا که می<sup>۲۷</sup>؛فرماید: <sup>۲۸</sup>؛وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ يَوْأَلِدِيهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا؛ زحمات سی ماهه مادر را می<sup>۲۹</sup>؛شمارد، که دوران <sup>۳۰</sup>؛؛ بارداری<sup>۳۱</sup>؛، <sup>۳۲</sup>؛؛ و دوران <sup>۳۳</sup>؛؛ شیرخوارگی<sup>۳۴</sup>؛؛ برای مادر دشوار است؛ و همه این<sup>۳۵</sup>؛ها را به عنوان شرح خدمات مادر ذکر می<sup>۳۶</sup>؛کند.

بنابراین، آیات قرآن که در مورد <sup>۳۷</sup>؛؛ حق شناسی<sup>۳۸</sup>؛؛ از والدین آمده است بر دو قسم است: یک قسم حق شناسی مشترک پدر و مادر را بیان می<sup>۳۹</sup>؛کند و قسم دیگر، آیاتی است که مخصوص حق شناسی مادر است، قرآن کریم اگر درباره پدر حکم خاصی بیان می<sup>۴۰</sup>؛کند، فقط برای بیان وظیفه است، مانند: <sup>۴۱</sup>؛وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ خوراک و پوشاک مادران به طور شایسته به عهده پدر فرزند است<sup>۴۲</sup>؛؛ اما هنگامی که از تجلیل و بیان زحمات سخن به میان می<sup>۴۳</sup>؛آید، بخصوص اسم مادر را ذکر می<sup>۴۴</sup>؛کند.

بنابراین همه ما وظیفه داریم در دوران حیات والدین آن<sup>۴۵</sup>؛ها را احترام و تکریم کنیم تا همواره رضایت آن<sup>۴۶</sup>؛ها را داشته باشیم و اگر خدای ناکرده والدین ما در قید حیات نیستند، بازهم وظیفه داریم به یاد آن<sup>۴۷</sup>؛ها باشیم و با خیرات آن<sup>۴۸</sup>؛ها را تکریم کنیم که کمال و سعادت ما به واسطه دعای خیر والدینمان محقق می<sup>۴۹</sup>؛شود.

\* و یک توصیه ویژه برای حفظ اخلاق در جوانی؟

دوران جوانی دوران شکوفایی عقل و روح انسان است و اگر جوانان ازدواج درست و بهنگام داشته باشند، حرکت

آن‌ها در مسیر کمال تسهیل خواهد یافت، اما توجه به یک نکته ضروری است که یکی از مهم‌ترین لوازم برای حرکت در مسیر کمال ساده زیستی است و اگر در زندگی ساده‌زیستی وجود نداشته باشد، دوام نمی‌آورد، ولی اگر جوانان چند سال اول زندگی را ساده‌تر زندگی کنند، بی‌تردید در آینده زندگی راحت‌تری خواهند داشت. جوانی مساوی جوانمردی است و این صفت زیبا در جوان محقق می‌شود، به شرط آنکه بخواهد در مسیر خداجویی حرکت کند.

جوانمرد همچون درخت پرتمری است که پس از ۲۰ سال میوه و بار زیادی دارد و افرادی که جوانمرد نیستند مانند ماشینی هستند که پس از ۲۰ سال فرسوده و غیرقابل استفاده می‌شوند. جوانی مانند تیری است که زمانی به مقصد و هدف اثر می‌گذارد که از چله یک کمان به وسیله یک فرد تجربه داررها شود.

به جوانان توصیه می‌کنم از همنشینی علما و بزرگان در زندگی بهره ببرند، زیرا بزرگان، مراجع و رهبران دینی مانند کمانداران کهنسالی هستند که رهبری و هدایت جامعه را به عهده دارند و جوانان باید از تدابیر آن‌ها بهره‌مند شوند.

\* یکی از عاشقانه‌ترین رویه‌ها ارتباط با اهل بیت (ع) زیارت این بزرگواران است؛ دوست داریم زیبایی‌ها و آداب زیارت را از بیان شما بشنویم.

بله؛ زیارت معصومین (علیهم السلام) نقطه اتصال ما به خدای متعال است. زیارت، در حقیقت حضور عارفانه عاشق در دیار معشوق، دیدار عاشقانه زائر از سرای مزور، اظهار عشق و ارادت محبّ به محبوب، دل‌دادن صمیمانه دل‌داده در کوی دلدار، سرسپردن سرباز فداکار در پیش پای سردار، اعلان فروتنی دیندار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمان و دینداری است. زیارت، اعلام وفاداری صادقانه مرید است به مراد، ابراز علاقه مطیع است به مطاع و اعلام خود فراموشی جان برکف مخلص است نسبت به جانان.

زیارت، عرضه خویشتن بر ترازو و ابزار سنجش است، ایستادن در برابر آینه و معیار کمال و نشانی کوی کمال به انسان تعالی طلب است که به کجا می‌توان رسید. زیارت، سفری مشتاقانه، آگاهانه و عاشقانه است که از سرای دل آغاز می‌شود، از راه دل عبور می‌کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می‌رسد و بار بر زمین می‌نهد. چنانکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت و دیدار او خواهیم رفت و از هراس آن‌ها وحشت‌ناک خواهیم داد؛ من زارنی او زار احداً من ذریتی زرته یوم القیامة فأنقذته من احوالها...

این روایت و امثال آن نشان می‌دهد، حیات و مرگ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) یکسان است، زیرا زیارت دوران حیات و مرگ، اجر و آثار یکسان دارد. زید شحّام از صادق آل محمد (علیه السلام) پرسید: ثواب کسی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را زیارت کند، چیست؟ فرمود: همانند کسی است که در برتر از عرش با خدا ملاقات کند. پرسید: کسی که یکی از شماها را زیارت کند، ثوابش چیست؟ فرمود: مانند کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را زیارت کند. اما شیخ مفید (ره) در معنای این حدیث گفته است: مراد این است که ثواب و تکریم زائر آن حضرت در روز قیامت، همانند کسی است که خداوند او را به آسمان برده و به عرش خود که ملائکه حامل آن هستند نزدیک می‌کند و برگزیدگان از فرشتگان خود را به او می‌نمایاند، به گونه‌ای که موجب تأکید بر تکریم او می‌گردد؛ مشابه این تعبیر را مجلسی اول (ره) نیز آورده است. بنابراین بر ماست که به زیارت اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر دقت و توجه داشته باشیم، زیرا هر چه از سعادت دنیا و آخرت می‌خواهیم در گرو توجه به خدا، قرآن و دوستی آل محمد (علیهم السلام) است.

\* سبک زندگی دینی یکی از مسایلی است که همه ما باید به آن توجه ویژه داشته باشیم؛ اگر ممکن است ما را به نکاتی ویژه در این زمینه میهمان کنید؟

سبک زندگی دینی در حقیقت یافتن کلیدهای زندگی بهتر و سعادت‌مندانه است. اسلام به زیبایی و شیوایی هر چه تمام برای همه ابعاد زندگی انسان در دنیا و آخرت رهنمودهایی ارائه کرده که ما نمونه‌های آن را در سیره زندگی معصومین (علیهم السلام) مشاهده می‌کنیم. سبک زندگی دینی به معنای حرکت در مسیر سیره معصومین (علیهم السلام) است. اسلام؛ دین زندگی است، احکام و تعالیم حیات؛ بخشی را برای انسان فراهم کرده تا بتواند در هر سطحی مناسبات خود را به شایستگی ایجاد و تحکیم کند؛ چه محلی، چه منطقه‌ای و چه بین‌المللی و هیچ یک از ابعاد فردی و اجتماعی حیات بشری، از آموزه‌های وحیانی تهی نیست، بلکه

جریان عبودیت و بندگی در جای جای زندگی نفوذ داشته و تنها با پذیرش و عمل به آن تعالیم، بندگی معنا یافته و محقق می‌شود؛ بنابراین همه ما باید از ظرفیت این دین کامل به شایستگی بهره ببریم و سبک زندگی خودمان را مبتنی بر دین طراحی کنیم. در سبک زندگی دینی؛ دروغ، ریاکاری، سوءاستفاده از منابع بیت المال، دزدی از کار در فعالیت‌های اجتماعی و شانه خالی کردن از مسئولیت‌هایی که به عهده ما می‌گذارند جایی ندارد.

در سبک زندگی اسلامی در حوزه بازار و کسب و کار، علاوه بر اینکه کالای قاچاق وجود ندارد و کاسبان پیش از ورود به حیطه تجارت، قواعد فقهی این حوزه را می‌آموزند، فعالیت واحدهای اقتصادی از صبح بسیار زود آغاز می‌شود و پس از غروب آفتاب فعالیت آن‌ها پایان می‌پذیرد، صبح اول وقت آدم می‌آید مغازه تا غروب، بعد نماز اول وقتش را شب می‌خواند و سپس به منزل می‌رود تا استراحت کند و صبح فردا زود در مغازه حاضر شود، نه اینکه برخی مغازه‌ها ساعاتی پیش از ظهر تازه فعالیت خود را شروع می‌کنند، که این علاوه بر اتلاف بیشتر انرژی، موجب تردد ناامیس مردم در خیابان‌ها بعد از غروب آفتاب هم می‌شود که مشکلات خاص خود را هم به دنبال دارد.

بنابراین قرآن کریم و اهل بیت(علیهم السلام) منابع اصلی الگوبرداری در سبک زندگی اسلامی هستند که باید توجه به این دو منبع و حیانی را سرلوحه زندگی خودمان قرار دهیم، آن وقت خودمان را محک بزنیم که چقدر در ترسیم سبک زندگی به این دو منبع اصلی نزدیک شده‌ایم.

گفتگو از ملیحه پژمان